ژئوپلیتیک دریای خزر با تأکید بر رژیم حقوقی آن

دکتر عبدالرضا رحمانی فضلی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در دوران جنگ سرد، حوضه دریای خزر جزء مجموعه امنیتی همه جانبه اتحاد جماهیر شوروی بود تا جایی که اتحاد شوروی حتی به قرار داد دو جانبه ۱۹۲۰ و ۱۹۴۱ منعقد بین ایران و شوروی در رابطه با نظارت، دخالت و بهره‌برداری از سطح و عمق، هیچ‌گونه توجهی به ایران نداشت. بهره‌برداری از نفت حوضه خزر تحت نظارت کامل شوروی بود ولی برای سه کشور اطراف دریای خزر که جزو محدودهٔ سیاسی و امنیتی اتحاد شوروی بودند، محدودهٔ بهره‌برداری با نظارت دولت مرکزی شوروی تحدید حدود شده بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ و پایان جنگ سرد، ماهیت قدرت در روابط بین‌المللی تغییر یافت ومعادلات ژئواستراتژیک جای خود را به ژئواکونومیک داد. به همین دلیل اکنون یکی از اهداف مهم قدرت‌های جهانی دستیابی به منابع انرژی است. ایران هم اکنون در مرکز ۷۵ درصد از منابع انرژی جهان، بین حوضه خلیج‌فارس و حوضه دریای خزر قرار گرفته و این موقعیت حساس استراتژیکی و ژئوپلیتیکی امنیت ایران را با امنیت منطقه و جهان گره‌زده است، بنابراین قدرت‌های جهانی نمی‌توانند به راحتی ایران را نادیده گرفته و مزاحمت‌های امنیتی حاد برایش فراهم نمایند. در حال حاضر مهم‌ترین مشکل منابع نفت و گاز طبیعی حوضه دریای خزر، فقدان توافق میان پنج دولت ساحلی خزر و تدوین رژیم حقوقی آن می‌باشد. در این تحقیق سعی بر این است که به تشریح موقعیت ژئوپلیتیکی حوضه دریای خزر پرداخته و به این سوال پاسخ دهیم که چه رابطه‌ای بین ژئوپلیتیک جدید این دریا و تدوین رژیم حقوقی آن وجوددارد؟ تحولات جهان در قرن ۲۱ به سمتی پیش می‌رود که مفاهیم و کاربردهای ژئواستراتژی به سرعت جای خود را به مفاهیم و کاربردهای ژئواکونومی، می‌دهد، بنابراین ابتدا ویژگی‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک حوضه دریای خزر را تجزیه و تحلیل نموده و سپس رژیم حقوقی حاکم بر این دریا را بررسی می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی : ژئوپلیتیک، دریای خزر، انرژی، رژیم حقوقی ، امنیت ملی، ژئواستراتژی، استراتژی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه:

بیش از هفتاد سال سرزمین‌های وسیع و پیوسته‌ای به وسعت تقریبی ۲۲ میلیون کیلومتر مربع تحت نفوذ حکومت سوسیالیستی بود و نظام کمونیستی بر وجوه مختلف زندگی مردم و سرزمین‌های متنوع آنها نظارت همه‌جانبه داشت، در نتیجه امکان نفوذ دیگر قدرت‌های جهانی برای هیچ‌گونه فعالیتی وجود نداشت، وجود ذخایر غنی زیرزمینی به ویژه سوخت‌های فسیلی در این منطقه با تنوع محیط طبیعی قابل‌توجه ویژگی خاصی به آن بخشیده است. در این مدت کشورهای غربی هیچ‌گاه موفق نشده بودند که به حریم منابع انرژی شوروی نزدیک شوند اما فروپاشی شوروی موجب ایجاد یک خلأ ژئواستراتژیک در منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر شد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال ۱۵ جمهوری سابق آن، زمینه لازم فراهم شد و شرکت‌های نفتی غربی به سرعت در این منطقه حضور پیدا کرده و برای استخراج نفت و گاز آن سرمایه‌گذاری‌های کلانی نمودند.

پیش‌بینی مقادیر قابل‌ملاحظه‌ای از منابع انرژی در حوضه دریای خزر، اهمیت ژئوپلیتیکی این منطقه را به طور چشمگیری افزایش داده است. مرکز اطلاعات انرژی امریکا با اشاره به افزایش پنجاه درصدی تقاضا برای نفت در سال ۲۰۲۰ پیش‌بینی کرده است که حداقل ۱۰ درصد از تولید نفت جهان در این سال از طریق دریای خزر صورت پذیرد. از آنجا که این جمهوری‌ها محاط در خشکی بوده و مستقیماً به دریای آزاد راه ندارند، بزرگترین مشکل ژئوپلیتیکی این جمهوری‌ها و شرکت‌های نفتی، انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی می‌باشد. همچنین پس از فروپاشی شوروی و افزایش کشورهای همسایه خزر به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

پنج کشور، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر با چالش‌هایی مواجه شده و از آنجا که منافع ملی کشورهای این حوزه در استفاده از ذخایر خزر، با سیاست‌ها و دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متعارض تعریف می‌شود، در نبود یک اجماع نظر کلی حقوقی و منصفانه درمورد رژیم حقوقی این دریا، نه تنها زمینه حضور و سلطه قدرت‌های فرامنطقه‌ای به وجود آمده بلکه تهدیداتی را نیز برای امنیت ملی کشورهای پیرامونی خزر در پی داشته و بهره‌برداری بی‌رویه برخی از دولت‌ها از منابع هیدروکربنی و آبزیان آن، موجب پایمال‌شدن حقوق همسایگان دیگر گردیده است .

پس از فروپاشی شوروی و حضور امریکا در منطقه، این کشور سیاست منزوی‌کردن ایران را در پیش گرفته، زیرامخالف نفوذ اقتصادی - سیاسی روسیه و ایران در حوضه دریای خزر می‌باشد. چرا که به تصور آنها، همکاری‌های اقتصادی در منطقه، باعث تقویت زمینه‌های همگرایی منطقه‌ای شده و روسیه با پذیرش نقش شوروی سابق، به عنوان یک قدرت جهانی و ایران با داشتن اشتراکات تاریخی و فرهنگی با کشورهای همسایه خزر، به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل خواهند شد .

مشخصات جغرافیایی دریای خزر

دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهانی وبه عبارتی گستره آبی داخلی، در شمال سلسله جبال البرز قرار گرفته واز دوران قدیم تاکنون به نام‌های گوناگونی شناخته شده که این خود نشانگر تاریخ طولانی اقوام ساحل‌نشین آن است. این دریاچه با وسعت ۴۳۸/۰۰۰ کیلومترمربع و گنجایش ۷۷ میلیون مترمکعب آب، به طور تقریبی بین مدارهای ۳۷و۶۱ درجه عرض شمالی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نصف‌النهارهای ۴۵و۵۵ درجه طول شرقی قرار دارد. طول این دریا حداکثر ۱۲۰۴ کیلومتر و عرض آن حداکثر ۵۵۰ کیلومتر می‌باشد. این دریا دارای ۵۰ جزیره است که بزرگترین آن‌ها جزیره چچن در شمال غربی آن قرار دارد. خط ساحلی دریای خزر نزدیک به ۶۵۰۰ کیلومتر می‌باشد که ۹۰۰ کیلومتر آن را سواحل ایران تشکیل می‌دهد. عمق این دریا از شمال به جنوب افزایش می‌یابد به طوری که عمق نواحی شمال آن از ۱۶ متر تجاوز نمی‌کند در صورتی که در جنوب و جنوب غربی به حدود ۱۰۰۰متر هم می‌رسد. در کل به طور متوسط عمق آب ۱۸۰متر است. (اسدالهی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌ها) دریاچه خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان تنها به وسیله آبراه رودخانه‌ای ولگا- دن از طریق دریای آزوف - دریای سیاه با قابلیت کشیترانی محدود به دیگر دریاها و اقیانوس‌ها مرتبط شده است. کشورهای ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان در اطراف این دریا واقع شده‌اند (مدرس قوامی ، مجله اقتصاد انرژی سال دوم، پاییز ۱۳۷۶)

دریای خزر به علت منابع سرشار نفت و گاز، نقش مهمی در زمینه کشتیرانی، بازرگانی، اقتصاد ملی و نیز تاثیر بر آب و هوا و اقلیم منطقه ایفا می‌کند و دارای اهمیت ملی - منطقه‌ای است .

اتصال این دریا از طریق ولگا (ماتوشکا) به طول ۷۰۰ کیلومتر به طور مصنوعی به دریای بالتیک و براساس طرح علی‌اف به دریای سیاه بر اهمیت این دریا افزوده است . (بریمانی ، ص۴۸ ، ۱۳۶۲)

شرایط فیزیکی دریای خزر به نحوی است که برای تولیدکنندگان نفت مشکلات زیادی ایجاد کرده است. با بالارفتن غیرمنتظره آب دریا، حدود ۱۴۰۰ چاه نفت که سی سال پیش در سواحل دریای خزر حفر شده بود به زیر آب رفت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

از سال ۱۹۷۸ آب دریا حدود ۸ متر بالا آمده است و در بعضی از نواحی تا ۴۳ مایل در خشکی پیش رفته است.

در حوضه تنگیز[۱] (Tengiz) به تنهایی زیر آب رفتن ۱۲۷ چاه نفت منجر به از بین‌رفتن سالانه یک میلیون بشکه نفت به ارزش ۷/۵ میلیون دلار گردیده است. در استان‌های آتراو و منگستان، پیش‌رفت آب خزر بیش از یک صد روستا و شهرک را با جمعیتی بالغ بر ۳۲۰ هزارنفر تهدید می‌کند.

البته دولت‌های پنج کشور ساحلی با مشارکت بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل، برنامه ویژه محیط زیستی خود را در سال ۱۹۵۵ تهیه کرده‌اند ولی تا زمانی که رژیم حقوقی دریای خزر مشخص نشود، کار چندانی نمی‌توان کرد.

افزایش ارزش ژئوپلیتیکی ایران

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، ماهیت قدرت در روابط بین‌المللی از نظامی به اقتصادی تغییریافت و معادلات ژئواستراتژیک جای خود را به ژئواکونومیک داد. به همین دلیل اکنون یکی از اهداف بسیار مهم قدرت‌های جهانی دستیابی به منابع معدنی و هیدروکربنی است که محرک اصلی چرخ‌های اقتصادی آنها به شمار می‌رود. از دیدگاه ژئوپلیتیک قدرت برتر جهان در قرن بیست و یکم کشور یا کشورهایی هستند که بر منابع معدنی و انرژی جهان تسلط کامل داشته باشند زیرا با توجه به عدم‌وجود چشم‌انداز روشن جهت جایگزینی نفت و گاز از طریق سوخت‌های دیگر به دلیل ارزانی این مواد سوختنی و گرانی دیگر انرژی‌ها به نظر می‌رسد بر اهمیت استراتژیکی آن در قرن آینده

[۱] حوضهٔ تنگیز در کشور قزاقستان در کنار دریای خزر واقع شده است .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

افزوده شود و این درحالی است که مصرف انرژی در قرن آینده شتاب سریع‌تری خواهد گرفت و روز به روز از ذخایر نفتی جهان کاسته خواهد شد .

ایران هم‌اکنون در مرکز ۷۵ درصد از منابع انرژی جهان، بین حوضه خلیج‌فارس و حوضه دریای خزر قرار گرفته و این موقعیت فوق‌العاده استراتژیکی و ژئوپلیتیکی اگرهمراه با درایت سیاسی و توسعه اقتصادی باشد، می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به یکی از قطب‌های قدرت در جهان تبدیل نماید. در واقع قرارگرفتن ایران در این مرکز حساس، امنیت این کشور را با امنیت منطقه و جهان گره خواهد زد. بنابراین قدرت‌های جهانی نمی‌توانند به راحتی ایران را نادیده گرفته و مزاحمت‌های امنیتی حاد برایش فراهم نمایند. عبور لوله‌های نفت و گاز حوضه دریای خزر از راهی به جز ایران شدیداً موقعیت ژئوپلیتیکی آن را به خطر انداخته و در درازمدت می‌تواند نقش تاثیرگذاری ایران در معادلات نفتی و اقتصادی جهان را کاهش دهد.

از سوی دیگر نقش اوپک در تصمیم‌گیری‌های نفتی جهان نیز کاهش یافته و با توجه به وابسته‌بودن ایران به درآمدهای ارزی ناشی از نفت به طرق گوناگون امنیت این کشور با خطر مواجه خواهد شد. در حالیکه عبور لوله‌های نفت وگاز از ایران فرصت‌های ژئوپلیتیکی و استراتژیکی جدید وحساسی برای ایران فراهم خواهد ساخت و راه‌های مواصلاتی تازه‌ای برروی ایران گشوده خواهد شد. لوله‌های نفت و گاز شرایطی را فراهم می‌کند تا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز وارد تجارت با ایران شده و ایران را از بن‌بست حمل ونقل خارج نماید و از سوی دیگر موجب خواهدشد این کشور دوباره اهمیت استراتژیک خود را در دوران راه مروارید و جاده ابریشم کسب نماید. (محسنین ،ص ۳، ۱۳۷۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بنابراین امریکا نمی‌تواند در صحنه سیاست خارجی خود موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ایران را نادیده بگیرد. همگرایی ایران با اروپا و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز تا حدود زیادی این کشور را از انزوا بیرون خواهدآورد و دلیل آن هم این است که در صحنه روابط بین‌الملل هیچ سیاستی نمی‌تواند جغرافیا وضرورت های ژئوپلیتیکی را نادیده بگیرد.

دریای خزر به عنوان منطقه‌ای ژئوپلیتیکی

ادامه سیاست‌های توسعه‌طلبانه اتحاد جماهیر شوروی سابق، برای جبران ضعف ژئواستراتژیکی روسیه، موجب پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی دریای خزر در طول دوران "جنگ سرد" شد که بیش‌ترین ضربه را بر ایران وارد کرد. در این دوره با وجود مرز طولانی ایران و شوروی در این دریا، مبادلات دریایی بین دو کشور در حد بسیار اندک و آن هم در بندرانزلی انجام می‌گرفت که عمدتاً به مبادلات کالا اختصاص داشت و رفت و آمد مسافران در سطح ناچیزی صورت می‌گرفت. با وجود مشترکات دینی و فرهنگی بین ملت مسلمان ایران با ملل جمهوری‌های پیرامون دریای خزر در آسیای مرکزی و قفقاز از جمله داغستان در ترکیب روسیه، هیچ‌گونه ارتباطی بین مردم دوسوی دریا وجود نداشت.

اینک نقش برتر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران برای دریای خزر و ملل پیرامون آن حائز اهمیت است. گشایش گذرگاه‌های مرزی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز در بنادر دریای خزر، دنیای جدیدی را بر روی جمهوری‌های پیرامون گشوده است که از طریق این دریا می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

محورهای اصلی استراتژی سیاسی آمریکا در حوضه خزر:

برای درک محورهای سیاست خارجی آمریکا در این منطقه ابتدا باید به تبیین اهداف این کشور و سپس عملکردها و واکنش‌های متناسب با هریک پرداخته شود. اهداف آمریکا در منطقه را می‌توان به طورکلی در پنج محور اصلی موردتجزیه و تحلیل قرار داد:

۱- جلوگیری از گسترش و رشد اسلام رادیکال

۲-تهیه ابزارهائی برای اصلاحات سیاسی و اقتصادی

۳-مهار نفوذ جمهوری اسلامی ایران

۴-جلوگیری از نفوذ روسیه و چین در منطقه

۵-استفاده از مواد خام و بازارهای مصرف با تاکید بر انرژی

۱- جلوگیری از گسترش و رشد اسلام رادیکال:

از زمان گسترش اندیشه‌ها و جنبش‌های اسلامی در دهه‌های اخیر بویژه با پیروزی انقلاب اسلامی، دنیای غرب با پدیده جدیدی روبرو شد که از جانب آن خطر جدی و مهمی را برای موجودیت و منافع خویش احساس نمود، پس از شکست ایدئولوژی‌های غربی بعد از سال ۱۹۹۱ رقابت با اسلام معاصر وارد مرحله‌ای شد که در آن اسلام به عنوان یکی از بزرگترین عوامل قدرت و تغییر مطرح گشت، این پدیده که جهان غرب آن را بنیادگرائی اسلامی نامید پس از شکست مارکسیسم در حقیقت جدی‌ترین چالش عصر جدید در مقابل لیبرال دموکراسی غرب که خود را نقطه پایان تطور ایدئولوژیک بشریت و در شکل نهایی " دولت ملی" می‌داند بوده است. " جیمز بیکر " در سخنانی با رؤسای جمهور کشورهای آسیای مرکزی در مورد نفوذ اسلام گرایی تحت‌تاثیر ایران هشدار داد که انعکاس این بیم در سخنان برژینسکی بخوبی نمودار است. " گرداب خطرناکی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

که ممکن است از ایجاد خلاء ژئوپلیتیکی برای آمریکا و روسیه پدید آید همانا اسلام‌گرایی است، وی اضافه می‌کند، محیط جغرافیائی این گرداب ممکن است از دریای آدریاتیک و بالکان تا مرزهای چین و از خاورمیانه تا روسیه و اوکراین را در برگیرد " (برژینسکی، ص۲۳۵، ۱۹۹۴). فروپاشی ساختارهای اداری در برخی ازکشورهای منطقه منجر به قدرت‌گرفتن گروه‌های افراطی و سودجو شد این گروه‌های سودجو با بیان هدف تشکیل دولت بزرگ اسلامی، نظرات مردم و جوانان بیکار منطقه را به خود جذب کرده و با حمایت‌طالبان و برخی قبایل تاجیک هسته‌های شبه‌نظامی تشکیل داد، که برای انجام عملیات علیه نیروهای دولتی ازبکستان و قرقیزستان وارد نبرد می‌شدند. (ترجمان سیاسی، ص۱۵، شماره ۴۶)، اعلام جنگ علیه تروریسم، توسط آمریکا منجر به همکاری بیش از پیش این جمهوری‌ها با سیاست‌های آمریکا شد، بدین‌ترتیب اولین پایگاه نظامی آمریکا در این جمهوری‌ها شکل گرفت.

۲-فراهم‌نمودن ابزارهائی برای اصلاحات سیاسی واقتصادی:

منطقه وسیع آسیای مرکزی و قفقاز علیرغم وجود منابع معدنی وانرژی و دیگر منابع سطحی، علیرغم اینکه بیش از هفتاد سال تحت سیستم کمونیستی به سربرده و تحت نظارت کامل شوروی اداره می‌شدند ولی نتوانستند مراحل توسعه را طی نمایند، شرایط فعلی آنها تاییدی است بر این نظریه که رهبران شوروی به این کشورهای حاشیه‌ای خود به عنوان هسته دفاعی، امنیتی نگاه می‌کردند و به همین علت زیرساخت‌های اقتصادی آنها بسیار سطحی و بی‌بنیاد است، لذا پس از کسب استقلال این جمهوری‌ها، تلاش گسترده‌ای برای انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در منطقه از سوی دول غربی به عمل آمده است .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سیاست‌های سرکوب‌گرایانه، فساد متداول و نبود حکومت قانون منجر به وخیم‌ترشدن بحران‌های اجتماعی و گسترش فاصله بین مسلمانان معتقد و حکومت‌های سکولار شده است. در نتیجهٔ هرگونه تلاش برای اصلاحات اقتصادی به انحراف کشیده شده و خواهد شد. به همین علت سرمایه‌گذاران خارجی رغبت زیادی برای سرمایه‌گذاری در این منطقه از خود نشان نمی‌دهند در نتیجه این عامل باعث می‌شود که از توسعه یک جامعه قوی جلوگیری به عمل آید.

در راستای اصلاحات اقتصادی، دولت آمریکا کمک‌هائی را به این کشورها نموده است، به عنوان مثال درسال ۱۹۹۳ صندوق بین‌المللی پول به قزاقستان وامی به مبلغ ۱/۲ میلیارد دلار پرداخت نمود که در نوع خود سرمایه‌گذاری هنگفتی برای کشوری مانند قزاقستان به حساب می‌آید، در سال ۱۹۹۲ نیز بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه وامی به مبلغ ۶۰ میلیون دلار برای قزاقستان تصویب نمود (رشید، ص۲۲۴، ۱۹۹۴). با مشخص‌شدن اهمیت حیاتی ثبات منطقه برای دستیابی آمریکا به منافع اقتصادی، سیاستمداران آمریکا بـه دیپلمـاسـی عمومـی (Public Diplomacy) روی آوردند، درجهت آشنائی هرچه بیشتر روزنامه‌نگاران منطقه آسیای مرکزی با مطبوعات آزاد در جامعه دموکراتیک و ملاقات با مقامات آمریکا، دولت درصدد ایجاد برنامه بازدید برای گروهی از روزنامه نگاران در فوریه ۲۰۰۲ برآمد. (مجله آسیای مرکزی، ۲۰۰۲) وضعیت مشابه آنچه در مورد آسیای مرکزی ذکر شد، در مورد قفقاز نیز به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد تا زمانی که دارای منابع کافی جهت ایجاد ارگان‌های قوی سیاسی و اقتصادی نباشد اصلاحات سیاسی و اقتصادی محکوم به شکست است . (مجله اقتصادی ، ص۸۶، ۱۳۸۰)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۳-مهار نفوذ جمهوری اسلامی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به بزرگترین مخالف آمریکا در منطقه تبدیل گردیده است، آمریکا برای مقابله با آن، به راه‌های مختلفی روی آورده است که آخرین آنها مهار ایران با هدف‌هایی چون تضعیف قدرت ایران و جلوگیری از رشد داخلی و خارجی این کشور می‌باشد. در گذشته مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا در دولت کلینتون طی سخنانی دولت‌های جهان را به چهار دسته تقسیم کرد: (استوارت، ص۱۰ ،۱۹۹۶)

۱-دولت‌های رعایت‌کننده قوانین بین‌المللی

۲-دولت‌های در حال ظهور

۳-دولت‌های یاغی و متمرد

۴-دولت‌های شکست‌خورده

وی ایران را در رده کشورهای سرکش قرار داد و بر لزوم مهار ایران تکیه کرده است .

در همین رابطه گروهی برای مهارکردن ایران راه‌ها و استدلال‌هائی مطرح می‌نمایند به این مفهوم که مهار دوگانه به سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران شکل بخشید و آن را دقیقاً براساس جلوگیری از ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای شکل دادند.

۴- عملکرد چین و روسیه در حوضه خزر و واکنش آمریکا:

فروپاشی شوروی سابق و کسب استقلال توسط دولت‌های منطقه، این فرصت را برای ایالات متحده آمریکا فراهم ساخت که خود را به عنوان قدرت برتر جهان مطرح سازد. در ابتدا به نظر نمی‌رسید که منطقه چنان منافعی داشته باشد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تا قدرت‌هائی همچون چین و روسیه بخواهند تسلط خود را در آن حفظ و گسترش دهند، دولت آمریکا با مشاهده قدرت‌گرفتن اندیشه‌های احیاء قدرت در روسیه و گسترش روابط تجاری، سیاسی چین با کشورهای منطقه نگران شد، با شروع روابط چین با قزاقستان در ۱۹۹۲ و ایجاد توافق‌نامه مرزی میان دو کشور تا سال ۱۹۹۶ روابط دوستانه بین این کشور و چین برقرار شد، روابط به گونه‌ای فزاینده افزایش یافت که واردات قزاقستان از چین در کمتر از چهار سال از ۴٪ به ۴۴٪ افزایش یافت، گسترش روابط بازرگانی میان چین و تاجیکستان از ۳ میلیون دلار در ۱۹۹۴ به ۲۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ و توافقنامه چین با این کشور در سپتامبر ۱۹۹۶، مثال‌هایی از دلایل گسترش نگرانی‌های آمریکا در منطقه بود. (هیبر، ص۹۹، ۱۳۷۷) علاقه چین به همکاری اقتصادی با قزاقستان و ازبکستان و افتتاح خط آهن مستقیم بین چین و قزاقستان منجر به دسترسی بهتر به مواد خام منطقه برای چین می‌شد، روابط به گونه‌ای فزاینده در حال تسلط دادن چین بر منطقه بود. (بریل ، ص ۲۶۷ ، ۱۹۹۲)

این مسئله که نیروهای نظامی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع عمده سربازان آنها روسی بودند و رهبران کمونیستی موجود در آسیای مرکزی با این وضعیت موافق بودند و سعی در متقاعد کردن مردم برای حضور این نیروها در سرکوب اسلام‌خواهی، موجبات نگرانی را برای ایالات متحده و ترس از تسلط مجدد این قدرت در منطقه فراهم می‌آورد. احیای مجدد امپراطوری شوروی در شکل جدید که در مه ۱۹۹۲ در روزکارگر در مقابل کاخ کرملین خود را نشان داد و احتمال پذیرش آن توسط گروهی از جمله مدیران صنعتی که از زمان فروپاشی شوروی از حیث منابع خام و ارزان آسیای مرکزی در مضیقه هستند موجبات نگرانی آمریکا از سوی روسیه را بیش از پیش فراهم می‌آورد، لذا ایالات متحده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سعی کرد با واردکردن این کشورها به کارتل‌های بین‌المللی باعث کاهش وابستگی آنها به روسیه شود.

ازسوی دیگرمعاهدات چندجانبه این کشورها و روسیه و چین برای تامین امنیت مرزها از جمله مسائلی است که موجبات نفوذ این قدرت را در منطقه فراهم می‌آورد و منافع آمریکا را هرچه بیشتربه مخاطره می‌اندازد. (کرنستون،۱۹۹۵)

۵-منابع خام و حوضه خزر:

پس از آنکه کشورهای پیشرفته صنعتی پی‌بردند که آسیای مرکزی دارای منابع گسترده نفت و گاز است، ناگهان مقامات این کشورها و از جمله آمریکا در همه سطوح به فکر افتادند تا معاملات نفتی و مسیرهای خطوط لوله را موردبررسی قرار دهند و سعی کردند موضوعات مربوط به انرژی را در برنامه‌های عملی خود در این منطقه وارد سازند، بنابراین فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بویژه در خصوص انرژی ونفت برجسته ترین عامل اقتصادی حضور آمریکا در این منطقه از جهان می‌باشد.

جمهوری‌های آسیای مرکزی از لحاظ فراوانی منابع سوختی با یکدیگر متفاوتند و می‌توان آنها را به دو گروه مشخص تقسیم کرد:

گروه اول : جمهوری‌هایی که در مصرف منابع سوختی موازنه مثبت دارند مثل ترکمنستان و قزاقستان

گروه دوم : جمهوری‌هائی که بخشی از منابع انرژی خود را از داخل تامین می‌کنند، مثل قرقیزستان ، تاجیکستان و ازبکستان طبق برآوردها ذخایر انرژی در آسیای مرکزی از ۳۳ تا۲۹۰ میلیارد بشکه برآورد گردیده است ولی آنچه مسلم است این منطقه ازمنابع قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار است ولی هراندازه که باشد طبق برآوردها نیمی از آن در قزاقستان وجود دارد، اما این جمهوریها از لحاظ گاز طبیعی دارای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اهمیت بیشتری هستند حدود ۲۲٪ گاز طبیعی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع متعلق به این جمهوری‌هاست ومنابع اثبات شده گاز آنها از آمریکا بیشتر است. (روبینستین ، ص ۵۸۲، ۱۹۹۴)

منابع آسیای مرکزی از یک سو و از سوی دیگر دریای خزر به عنوان تنها مجموعه آبی جهان که دارای دو نوع طلای سیاه نفت و خاویار است و ذخایر کشف شده قابل بهره‌برداری این دریا بر اهمیت منطقه افزوده است.

اعمال نفوذ مستقیم مقامات دولت آمریکا در قرارداد کنسرسیوم نفت دریای خزر و قرارداد خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به اروپا و تهدید دولت‌ها و شرکت‌های نفتی فعال در منطقه از جمله مداخله سیاسی دولت آمریکا در برنامه توسعه این کشوراست . (پاکدامن ، اردیبهشت ۱۳۷۷)

با پایان‌یافتن تدریجی ذخایر نفت شمال، استراتژیست‌های امریکائی می‌کوشند دولت این کشور را قانع کنند برای چنگ اندازی به منابع نفت و گاز حوضه خزر قاطعانه‌تر وارد عمل شوند و وجود این تفکرات است که روزبروز توجه مقامات امریکائی به این حوضه نفتی را افزایش می‌دهد.

سه ویژگی ژئوپلیتیکی مهم حوضه نفتی خزر، یعنی امکان بهره‌برداری آسان، نزدیکی به بازارهای مصرف و قرارگرفتن در محل تلاقی محورهای مواصلاتی اروپا به اقیانوس هند باعث می‌شود تا از اتکای انحصاری بسیاری از کشورهای مصرف‌کننده عمده انرژی به نفت وگازخلیج فارس کاسته شود، هر چند هنوزحوضه خلیج فارس همچنان عنوان بزرگترین منابع انرژی جهان را داراست .

آمریکا که در پی تضعیف نقش روسیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و مهار و منزوی‌ساختن ایران است با اعلام حمایت از طرح خط لوله باکو- جیهان بدنبال تثبیت نقش خود در معادلات جهانی و افزایش نفوذ خود، در منطقه آسیای

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مرکزی و قفقاز به منظور تحقق‌بخشیدن به یکی از اهداف بلندمدت خود، یعنی تسلط بر منابع بزرگ انرژی جهان می‌باشد .

به طور طبیعی تلاش برای نادیده‌گرفتن موقعیت جغرافیایی روسیه و به ویژه ایران برای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی به خارج، منوط به عبور خطوط لوله از بستر دریای خزر است، این کار وقتی می‌تواند صورت بگیرد که در رژیم حقوقی دریای خزر تغییرات اصولی انجام شود، بدون این تغییرات اصولی در رژیم حقوقی دریای خزر، اهداف دیگر آمریکا مبنی بر پیوند کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به آمریکا و کنترل روسیه و ایران به نتیجه نمی‌رسد. در نتیجه آمریکا برای رسیدن به اهداف استراتژیک خود در منطقه ناگزیر است، از تغییر رژیم حقوقی دریای خزر حمایت کند .

با توجه به رژیم حقوقی فعلی که استفاده از دریا را حق مشترک کشورهای ساحلی آن می‌داند، وقتی می توان به این هدف دست یافت که دریای خزر برای این منظور بین کشورهای ساحلی به صورتی تقسیم شود که عبور ایمن خطوط لوله از بستر دریا با نادیده گرفتن ایران و روسیه تحقق یابد و این امری است که به نظر می‌رسید آمریکا آن را پیگیری می‌کند .

بنابراین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد دریای خزر که امکان صدور منابع انرژی آن را از چهار مسیر شمال، جنوب، شرق و غرب امکان‌پذیر ساخته، کشورهای همسایه خزر بخصوص ایران باید تلاش کنند تا منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را به نحو مطلوب تامین نمایند .

سهم ایران از دریای خزر:

جمهوری اسلامی ایران براساس رسالت خود، منافع ملی و سیاست‌های متخذه، از ابتدای فروپاشی شوروی به رژیم حقوقی مشاع و یا استفاده مشترک از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دریای خزر گرایش نشان می‌داد. اما در جریان تغییرات در دوره‌های مختلف و نگرش‌های مختلفی که در مورد دریای خزر وجود داشت، در نهایت به تقسیم مساوی دریای خزر رضایت داد. در مورد تقسیم دریای خزر به هرحال سهم و منافع ایران می‌تواندمتغیرباشد و هر نوع رژیم حقوقی برای ایران دارای فرصت‌های متفاوت است، از جمله:

الف) اگر دو سر مرزهای زمینی ایران را از کناره دریای خزر به هم وصل کنیم، خطی پدید می‌آید که به نام خط آستارا - حسینقلی معروف است. آب‌های زیر این خط ۱۱ درصد از کل آب‌های خزر است. این خط هیچ‌گاه در زمان اتحاد شوروی برای فعالیت ایران در خزر مطرح نبوده است، بلکه در فعالیت‌های مربوط به پرواز هواپیماها برفراز خزر دو نقطه انتقال و نگهداری هواپیما از فرودگاه‌های ایران به اتحاد شوروی برروی این خط قرار داشتند. همچنین در نقشه‌های داخلی اتحاد شوروی از تقسیم‌بندی دریای خزر برای فعالیت‌های نفت و گاز در میان جمهوری‌های داخل اتحاد شوروی نیز از این خط استفاده می‌شد. این نقشه‌ها اکنون مورداستناد آذربایجان برای تقسیم دریای خزر است. گرچه این نکته صحیح است که ایران در دوره اتحاد شوروی از این خط بالاتر نرفته است، اما نباید از نظر دور داشت که براساس پیمان ۱۹۲۱ و قرارداد ۱۹۴۰ میلادی، خزر دریای مشترک ایران و شوروی ذکر شده است.

ب) روش دیگر برای تقسیم دریای خزر استفاده از خط میانه با فواصل متساوی از ساحل است. در این صورت هرکشوری که دارای ساحل محدب با خزر است، سهم بیشتری را از آن خود کرده وکشورهای با ساحل مقعر سهم کمتری را خواهند برد. قزاقستان و آذربایجان با ساحل محدب خود به ترتیب ۲۸/۴ درصد و۲۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

درصد خواهند داشت. روسیه ۱۹ درصد، ترکمنستان ۱۸ درصد و ایران ۱۳/۶ درصد از آب‌های خزر را خواهند داشت.

ج) ایران در صورت تقسیم دریای خزر پیشنهاد کرده بود که تقسیم به صورت مساوی انجام پذیرد. در این صورت سهم ۲۰ درصدی ایران دارای نقطه‌ای کانونی در خزر جنوبی خواهد بود که به آن نقطهٔ میرزاکوچک‌خان می‌گویند. این به معنی آن است که از سهم قزاقستان و آذربایجان کم شده و به سهم ایران، ترکمنستان و روسیه اضافه شود. حیدر علی‌اف در این مورد می‌گوید: هم‌اکنون مشکل، رسیدن به تفاهم با ایران است. در این مورد من از پوتین خواسته‌ام در مورد یافتن راه‌حلی برای بن‌بست مربوط به نظام حقوقی دریای خزر، زبان مشترکی را با ایران بیابد. اعتقاد به داشتن سهم برابر از سطح و کف دریای خزر معقول نیست. زیرا در آن صورت سهم ایران به داخل سواحل آذربایجان و سهم آذربایجان به داخل سواحل روسیه وقزاقستان کشیده خواهد شد.(ملکی، ص۱۵، ۱۳۸۰)

آخرین تحولات رژیم حقوقی دریای خزر

در نخستین تحول مربوط به این موضوع، سخنگوی وزارت امور خارجه در روز ۱۸ آذر، ۱۳۸۲ با هرگونه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در دریای خزر مخالفت کرد و گفت : براساس توافق رهبران پنج کشور ساحلی خزر در عشق‌آباد تاکید شده است که امنیت خزر باید توسط کشورهای ساحلی این دریا تامین شود و حضور نظامی هیچ کشور فرامنطقه‌ای قابل‌قبول نیست.

وی تاکید کرد: هر دعوتی از نیروهای فرامنطقه‌ای خلاف توافق و اجماع کشورهای ساحلی دریای خزر است که نه‌تنها برای ثبات منطقه مفید نیست بلکه اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند. (تحولات دریای خزر، ص۳۳، ۱۳۸۲)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سخنگوی وزارت امور خارجه از برگزاری دوازدهمین اجلاس کاری دریای خزر در روزهای ۱۸و ۱۹ آذرماه جاری در تهران خبر داد و گفت : این کمیته کار خود را برای بررسی کنوانسیون حقوقی خزر از آبان ۱۳۷۵ شروع کرده و دستور کار اجلاس تهران ادامه مذاکرات کنوانسیون حقوقی دریای خزر است .
وی یادآور شد که موضوعاتی نظیر بهره‌برداری از نفت و گاز، کشتیرانی، شیلات، محیط زیست، تعیین حدود و ثغور دریایی و مسایل امنیتی از جمله مواردی است که موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد.

نتیجه گیری

در دوران جنگ سرد، حوضهٔ دریای خزر تحت‌نفوذ همه‌جانبه اتحاد جماهیر شوروی بود و ایران در رابطه با نظارت، دخالت و بهره‌برداری از منابع این دریا هیچ سهمی نداشت .

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱و پایان جنگ سرد و به استقلال رسیدن جمهوری‌های شوروی سابق، نقشهٔ جدیدی دراین منطقه کشیده شد و ایالات متحده با استفاده از خلأ بوجود آمده در حوضهٔ دریای خزر، به سرعت در این منطقه حضور پیدا کرد. در واقع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصت‌های جدیدی برای قدرت‌های جهانی در این منطقه ژئواستراتژیک پدید آورد .

پس ازفروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ماهیت قدرت در روابط بین‌المللی از نظامی به اقتصادی تغییر یافت و معادلات ژئواستراتژیک جای خود را به ژئواکونومیک داد. در حال حاضر یکی از اهداف بسیار مهم قدرت‌های جهانی دستیابی به منابع انرژی است که سوخت اصلی صنایع آن‌هاست. ایران بین دو

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

قطب مهم انرژی جهان بین حوضه خلیج‌فارس و حوضهٔ دریای خزر قرار گرفته است و این موقعیت برتر ژئوپلیتیکی، فرصت‌های جدید و حساسی را برای ایران فراهم کرده است که برای کشوهای حوضهٔ دریای خزر فوق‌العاده حائزاهمیت است. این جمهوری‌ها محاط در خشکی بوده و مستقیماً به دریای آزاد راه ندارند، بزرگ‌ترین مشکل ژئوپلیتیکی این جمهوری‌ها و شرکت‌های نفتی، انتقال نفت و گاز این منطقه به بازارهای جهانی می‌باشد و مسیر ایران بهترین گزینه برای عبور لوله‌های نفت و گاز این منطقه است. با فروپاشی شوروی و حضور آمریکا در منطقه، این کشور سیاست منزوی‌کردن ایران را در پیش گرفته و ایران را از حقوق خود در این دریا محروم ساخته است. در حال حاضر مهم‌ترین مشکل برای بهره‌برداری از منابع نفت وگاز حوضه دریای خزر، فقدان توافق میان پنج کشور همسایهٔ خزر و تدوین رژیم حقوقی آن می‌باشد. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در حوضهٔ دریای خزر به نفع هیچ‌یک از کشورهای این حوضه نبوده و امنیت خزر باید توسط کشورهای ساحلی این دریا تامین شود. همچنین مسائلی مانند بهره‌برداری از نفت و گاز، کشتیرانی، شیلات، محیط زیست، تحدید حدود دریا و مسایل امنیتی آن نیز باید توسط کشورهای حوضهٔ خزر حل و فصل شود.

در روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان موضعی یکسان اتخاذ کرده و موافق تقسیم در کف و مشاع در سطح خزر هستند. اخیراً ترکمنستان نیز با این تصمیم موافقت کرده است، اما براساس فرمول‌های فنی و حقوقی معتقد هستیم که سهم ما بین ۱۹/۷ تا ۲۰/۳ درصد است و ایران با تقسیم دریای خزر به صورت توافق دوجانبه و چهارجانبه اعتراض دارد و هرگونه توافق و تصمیم‌گیری باید با حضور همه کشورهای ساحلی خزر باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منابع و مأخذ

۱- اسدالهی، محمود، امکان سنجی دریای خزر جهت توسعه شیلات توسط بخش خصوصی، مجموعه مقالات همایش استان مازندران، موسسه مطالعات پژوهش های بازرگانی .

۲- مدرس قوامی، سیدحسین، پتانسیل صدور نفت خام جمهوری‌های ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان، مجله اقتصاد انرژی، سال دوم، پاییز ۱۳۷۶ .

۳- بریمانی، احمد، دریای مازندران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ .

۴- محسنین، مهرداد، افق‌های همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۷۴

۵- ژنرال فون‌هاوزن، جایگاه و اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در جهان امروز، ترجمه شهروز رستگارنامدار، ارائه شده در کنگره همایش جغرافیای کاربردی و جنگ، دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۸ .

۶- ترجمان سیاسی ، شماره ۴۶

۷-رویاهای شیرین دولتمردان آمریکائی در مورد نفت خزر" مجله اقتصادی"، شماره ۱۲۷، مهر ۱۳۸۰ .

۸-زاسکیا هیبر، سیاست چین در آسیای مرکزی، ترجمه لادن مختاری، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۷ .

۹- پاکدامن، رضا، نقش دولت آمریکا در برنامه‌های توسعه جمهوری‌های آسیا مرکزی، همایش آسیای مرکزی وقفقاز، ش ۸ و ۷ اردیبهشت ۱۳۷۷

۱۰- ماهنامه پیام دریا ، عباس ملکی، مقاله نظام حقوقی دریای خزر، سال دهم، دی ماه ۱۳۸۰.

۱۱- تحولات دریای خزر، خبرگزاری جمهوری اسلامی ، آذرماه ۱۳۸۲ .

۱۲–تحولات دریای خزر، خبرگزاری جمهوری اسلامی ، بهمن ماه ۱۳۸۲ .

13. Zbigniew Berezinski, World order of the Future , Dawn (Karachi)March ۳،۱۹۹۴

14. Morandun,u.s.Policy in Central Asia

15. Ahmad Rashid, The Resurgence of CentralAsia (krachi) Oxfurdnivercity, press ۱۹۹۴

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

16. jurnalist Frome centeral Asia xamine free press and Foreign policy in the United state. http.www.stabe. gov/R/pu/prs/۲۰۰۲/۷۹۸۶.htm.

17. Richard, F, Stuart, Plans to Restore its Power, orbis. ۴۰۳ , Summer ۱۹۹۶

18. Martha Brill Central Asias Post Empire Politics, orbis, volume ۳۶,spring ۱۹۹۲

19. Alan Kranston, U.S& Central Asia Maxitor, No, ۵،۱۹۹۵

20. Alvin Z.Rubinstein The Geopolitical Pullon Russian orbis,Vol,۳۸ Number۴ Fall۱۹۹۴

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]